

نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

سید علی مرنندی*

چکیده

با توجه به ماهیت پیچیده و چندوجهی مفهوم امنیت ملی، سؤال پژوهش حاضر، این است که رهبری چه نقشی در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند؟ به جهت بررسی نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی به بررسی چهار فرضیه «هادی»، «ناظر»، «حامی» و «مجری» پرداخته و بیان می‌شود که اصلی‌ترین نقش رهبری هدایت است که در قالب «سیاست‌گذاری کلی نظام» تجلی یافته، اما ضعف «ضمانت اجرا» در «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» سبب اختلال بنیادین در حکمرانی رهبری در این حوزه گردیده است. اصلی‌ترین پیشنهاد پژوهش حاضر آن است که فراکسیونی در مجلس به جهت «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» تشکیل شود که به عنوان بازوی ضمانت اجرایی «هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» عمل کند. واژگان کلیدی: امنیت ملی، حکمرانی، رهبری، اختیارات رهبری، سیاست‌های کلی نظام.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و چهارم ● شماره چهارم ● زمستان ۱۴۰۰ ● شماره مسلسل ۹۴

مقدمه

موضوع حکمرانی و اداره امور کشور در جمهوری اسلامی ایران و نقش بازیگران و کارگزاران مختلف نظام کمتر مورد پژوهش آکادمیک قرار گرفته است. هدف این نوشتار آن است تا با تمرکز بر نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گامی به سوی فهم نظام کشورداری در جمهوری اسلامی ایران برداشته شود؛ چه آن که فهم دقیق از نقش نهادهای گوناگون در حوزه امنیت ملی می‌تواند ضمن منطقی کردن انتظارات نسبت به نقش آن‌ها، زمینه را برای اصلاح نقص‌های احتمالی در این حوزه فراهم کند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که رهبری چه نقشی در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش ضروری است این نوشتار به سؤالات فرعی ذیل نیز پاسخ دهد: ابزارهای رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ اختیارات رهبری در حکمرانی امنیت ملی چیست؟ محدودیت‌های رهبری در حکمرانی امنیت ملی چیست؟ این پژوهش فرضیه محور است و به بررسی فرضیه‌های ذیل می‌پردازد:

فرضیه اول: رهبری نقش «هادی» را در حکمرانی امنیت ملی بر عهده دارد.

فرضیه دوم: رهبری نقش «ناظر» را در حکمرانی امنیت ملی بر عهده دارد.

فرضیه سوم: رهبری نقش «حامی» را در حکمرانی امنیت ملی بر عهده دارد.

فرضیه چهارم: رهبری نقش «مجری» در حکمرانی امنیت ملی بر عهده دارد.

به جهت پاسخ به سؤالات و بررسی فرضیه‌ها، داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی جمع‌آوری شده و تحلیل آن از طریق روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است.

الف) چارچوب مفهومی

در این نوشتار ابتدا مفاهیم به‌کاررفته، یعنی «حکمرانی»، «رهبری»، «امنیت ملی» و «حکمرانی امنیت ملی» تبیین شده است تا مفاهیم نسبی مشترکی میان نویسندگان و مخاطبان حاصل گردد و پس از آن بتوان درباره جایگاه رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سخن گفت. در ادامه مفاهیم مورد بررسی تبیین می‌شود:

رهبری: مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در عصر غیبت، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است. (اصل پنجم قانون اساسی) این ولایت امر، در نظام جمهوری اسلامی ایران در نهاد رهبری تحقق یافته است. باید توجه داشت که مقصود از رهبری در اینجا «جایگاه رهبری» به عنوان یک «مقام» در ساختار نظام جمهوری اسلامی است؛ هرچند که در بخشی از پژوهش، به جهت فهم بهتر موضوع، پژوهشگر ناگزیر به انطباق جایگاه با مصداق نیز شده است.

امنیت: واژه «امنیت» در زبان فارسی به معنای در امان بودن؛ ایمنی و آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۶۴: ۲۳۳). امنیت از ریشه «امن» در زبان عربی است؛ آن را بر ضد خوف دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۸۸ | ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۱ | فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۷۸). «راغب اصفهانی» آن را به آرامش و طمأنینه نفس و از بین رفتن و زوال بیم و هراس معنا کرده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰ | راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۲۰۵)؛ و «قرشی» آن را به معنای «ایمنی و آرامش قلب» دانسته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۲۳). امنیت بر ضد ترس، هراس، بیم و خوف است و معنای آرامش خاطر، در امان بودن، طمأنینه نفس، ایمنی و آرامش قلب را می‌رساند. امنیت، بحثی به قدمت تاریخ زندگی بشر است. این مفهوم در طول زمان تحول و تطور پیدا کرده و صورتی جدید یافته است. هنگامی که به واژه امنیت در ادبیات سیاسی می‌پردازیم؛ مقصود «حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله» است (آشوری، ۱۳۶۶: ۳۹).

امنیت ملی: «امنیت ملی» با مضمون کنونی آن، پس از قرارداد «وستفالی»^۱ و تشکیل «دولت-ملت»^۲ها، شکل گرفت و با پایان «جنگ سرد»^۳ و تغییر فضای امنیتی جهان در دهه ۱۹۸۰ میلادی، تغییراتی اساسی یافت (بختیاری، ۱۳۹۷: ۲۵۸). «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزو مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود در برابر تهدیدات مستقیم خارجی ممانعت به عمل آورد» (ماندل، ۱۳۸۷: ۵۲). امنیت ملی به حفظ تمامیت ارضی و جان مردم، بقا و ادامه حاکمیت کشور بر سیستم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور و فقدان تهدید جدید از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور اطلاق می‌شود (قدوسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۷). امنیت ملی علاوه بر سیاست دفاع ملی، شامل اقدامات غیرنظامی که بقای یک موجودیت سیاسی را تضمین کند نیز می‌شود (Louw: 1977). نگاه سنتی به امنیت رویکردی تک‌ساحتی داشت و امنیت را تنها از ساحت مسائل نظامی بررسی می‌کرد؛ حال آن که «بوزان»^۴ سرشت امنیت را دارای پنج ساحت «نظامی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «زیست محیطی» و «جامعه‌گانی» دانست (بوزان، ۱۳۹۱). کتاب مرجع «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» که مسائل و چالش‌های حوزه امنیت ملی را در ایران پیگیری کرده و به مسئولین امر راهکارهایی در سطح راهبردی ارائه می‌دهد؛ در آخرین شماره خود، در یازده محور مختلف مسائل امنیت ملی را دسته‌بندی کرده است. این یازده محور عبارتند از: «سیاسی-امنیتی»، «حقوقی و قضایی»، «اجتماعی»، «فرهنگی»، «اقتصادی»، «زیرساخت و دارایی‌های حیاتی»، «زیست محیطی»، «نظامی-دفاعی»، «موضوعات و مسائل سیاست خارجی ایران»، «محیط پیرامونی» و «محیط منطقه‌ای». نکته مهم آن است که از ۸۴ مدخل این سال‌نما تنها شش

-
1. Westphalia
 2. Nation-State
 3. Cold War
 4. Barry Buzan

مدخل آن ذیل محور «نظامی - امنیتی» سامان یافته است. (سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۹، چشم‌انداز ۱۴۰۰)

حکمرانی امنیت ملی: در گزارش «برنامه عمران ملل متحد»^۱ در تعریف «حکمرانی»^۲ گفته شده که حکمرانی عبارت است از اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح (UNDP Policy Document, 1997: 2). حکمرانی شامل تمام فرایندهای حاکمیت بر روی یک سیستم اجتماعی می‌شود (Bevir, 2012: 6). بنابراین بحث اساسی در حکمرانی «اعمال قدرت» است و وقتی سخن از «حکمرانی امنیت ملی» به میان می‌آید؛ مقصود اعمال قدرت در حوزه امنیت ملی است و شامل تمام فرایندهای اعمال حاکمیت در این حوزه می‌شود. نکته مهم در این موضوع آن است که تحول ماهیت امنیت ملی در عصر حاضر بر «حکمرانی امنیت ملی» نیز تأثیر گذاشته است و آن را به موضوعی چند بُعدی و پیچیده تبدیل کرده است که حکمرانی حوزه دفاعی - نظامی تنها یک بعد از ابعاد آن است و شامل ابعاد گسترده‌تری از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... نیز می‌شود.

ب) حکمرانی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

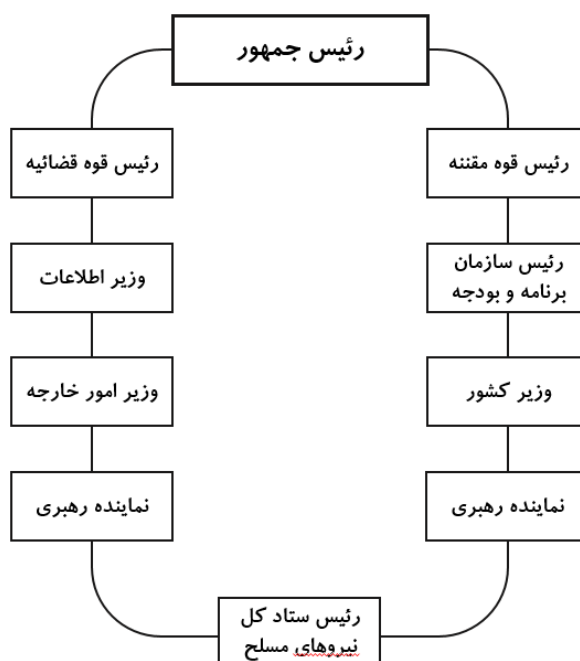
بنیان اصلی ساختار نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در اصل ۵۷ قانون اساسی شرح داده شده است. مطابق این اصل، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوای مجریه، مقننه و قضائیه که زیر نظر ولی فقیه و طبق اصول قانون اساسی به حکمرانی می‌پردازند. همچنین مطابق بند یک و دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاستگذاری کلان نظام بر عهده رهبری است. ساختار نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی در جدول ذیل آورده شده است:

-
1. United Nations Development Programme
 2. Governance

جدول ۱: ساختار نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

ساختار نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران	
کارویژه	جایگاه
سیاست گذاری کلان	رهبری
اجرا	قوه مجریه
قانون گذاری	قوه مقننه
احقاق حق و مجازات متخلفان	قوه قضائیه

با توجه به هماهنگ سازی نظامات حاکمیتی در مسئله امنیت ملی مطابق اصل ۱۷۶ قانون اساسی، «شورای عالی امنیت ملی» به وجود آمد. این شورا وظیفه «تعیین سیاست های دفاعی- امنیتی»، «هماهنگ سازی فعالیت ها در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی- امنیتی» و «مقابله با تهدیدها» را بر عهده دارد. شورای عالی امنیت ملی ده عضو دارد؛ که اعضای دارای حق رأی آن عبارتند از: سران سه قوه، دو نماینده رهبری، وزیر کشور، اطلاعات و امور خارجه، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح. همچنین در صورتی که موضوع مربوط به وزارتخانه خاصی یا درباره ارتش باشد، «حسب مورد وزیر مربوط و عالی ترین مقام ارتش و سپاه» نیز در جلسه شرکت می کنند، اما حق رأی ندارند.



شکل ۱: اعضای دارای حق رأی در شورای عالی امنیت ملی

توزیع قدرت و نظام رأی‌گیری به شیوه‌ای است که هرچند قدرت تصمیم‌گیری بین قوای سه‌گانه پخش شده اما اقتدار و تسلط قوه مجریه حفظ شده است؛ به گونه‌ای که پنج عضو شورای عالی امنیت ملی از قوه مجریه (رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، کشور و اطلاعات و مسئول امور برنامه و بودجه) هستند. این سخن بدین معناست که نیمی از آرا متعلق به قوه مجریه است. البته باید توجه داشت که رئیس قوه قضائیه و رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز توسط رهبری منصوب شده‌اند؛ بنابراین چهار عضو شورا منصوب رهبری هستند. عضو دیگر شورای عالی امنیت ملی، رئیس مجلس است. ریاست شورای عالی امنیت ملی بر عهده رئیس‌جمهور است، (بند ۳ اصل ۱۷۶ قانون اساسی) اما مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست. (اصل ۱۷۶ قانون اساسی)

جدول ۲: نظام توزیع رأی در شورای عالی امنیت ملی

توضیحات	تعداد آراء	
۲ نماینده رهبری	۲ رأی	رهبری
رئیس جمهور وزرای کشور، اطلاعات و خارجه رئیس سازمان برنامه و بودجه	۵ رأی	قوه مجریه
رئیس قوه مقننه	۱ رأی	قوه مقننه
رئیس قوه قضائیه	۱ رأی	قوه قضائیه
رئیس ستاد کل نیروهای مسلح	۱ رأی	نیروهای مسلح

از طرف دیگر باید توجه داشت ریاست شورای عالی امنیت ملی بر عهده رئیس‌جمهور است و مصوبات نیز پس از تأیید رهبری قابل اجراست. هر چند نقش اصلی در حکمرانی امنیت ملی را شورای عالی امنیت ملی بر عهده دارد اما در کنار آن باید به «شورای امنیت کشور» به عنوان یکی از شورای های فرعی شورای امنیت ملی اشاره کرد که وظیفه «بررسی جریان‌ات و پیشامدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل امنیتی» را بر عهده دارد. اعضای این شورا عبارتند از وزیر کشور، نمایندگان از وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، ارتش و نیروی انتظامی. رئیس این شورا را رئیس‌جمهور تعیین می‌کند و تا کنون ریاست آن بر عهده وزیر کشور بوده است. استانداران نیز مسئول تأمین امنیت استان هستند و باید هر دو هفته یکبار شورای تأمین را تشکیل داده و گزارش را برای شورای امنیت کشور ارسال کنند. علاوه بر آن «شورای هماهنگی اطلاعات» نیز در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نقش دارد. در این شورا رؤسای جامعه اطلاعاتی ایران جهت هماهنگی با یکدیگر و جلوگیری از موازی‌کاری تلاش می‌کنند. رئیس این شورا، وزیر اطلاعات است. در کنار موارد مطرح‌شده شماری از شوراهای عالی کشور همچون «شورای عالی فضای مجازی»،

«شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا» و «شورای عالی انقلاب فرهنگی» نیز در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نقش دارند.

ج) جایگاه رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پس از بررسی مفاهیم کلیدی بحث امنیت ملی و همچنین بررسی حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به بررسی نقش و جایگاه رهبری در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. برای این منظور ابتدا اختیارات رهبری در حکمرانی امنیت ملی بر اساس قانون بررسی شده و سپس به ابزارهای رهبری برای حکمرانی امنیت ملی پرداخته می‌شود و در نهایت محدودیت‌های رهبری در حکمرانی امنیت ملی تبیین شده است.

اختیارات رهبری در در قانون اساسی بدین شرح است:

الف: تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر آن: مطابق قانون اساسی «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» بر عهده رهبری است (بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی). همچنین «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» نیز بر عهده رهبر است (بند دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی). بر همین اساس است که از ابتدای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تاکنون ۴۴ مورد، سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف ابلاغ شده است (سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام).^۱ همچنین با توجه به آنکه «رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند» (اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، آیت‌الله خامنه‌ای، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» را به مجمع تشخیص تفویض کردند. بر همین اساس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در تاریخ ۲۱ خرداد ۸۴ مقررات حسن اجرای سیاست‌های کلی را تصویب و در آن شیوه و قلمرو نظارت را مشخص کرد. رهبری نیز در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۸۴ با انجام برخی اصلاحات آن را به مجمع ابلاغ

^۱ - <http://www.maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=3&pageid=402>

کردند. (خبرگزاری فارس: ۸۴۰۸۰۷۰۴۲۴) ^۱ چنانچه در ادامه تبیین می‌شود؛ هر چند این بند مهم‌ترین اختیار رهبری است اما به علت آن که «ضمانت اجرای» آن ضعیف است؛ عملاً این اختیار رهبری جز در موارد معدود مهجور مانده است.

ب: فرماندهی کل نیروهای مسلح: مطابق قانون اساسی فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده رهبری است (بند چهار اصل ۱۱۰ قانون اساسی). و به تبع آن اعلام جنگ، صلح و بسیج نیروها (بند پنج اصل ۱۱۰ قانون اساسی) و همچنین نصب، عزل و قبول استعفای فرمانده کل سپاه و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی نیز بر عهده اوست (بند شش اصل ۱۱۰ قانون اساسی). با وجود آن که رهبری فرمانده کل نیروهای مسلح است، اما وزیر دفاع توسط رئیس‌جمهور انتخاب و به مجلس معرفی می‌شود. همچنین نهاد امنیتی مهم وزارت اطلاعات نیز ذیل دولت تعریف شده است. در انتخاب وزرای این دو وزارتخانه با رهبری هماهنگی صورت می‌پذیرد. یکی از این باب که رهبر فرمانده کل نیروهای مسلح است؛ دوم از ورود این نهادها به بازی‌های سیاسی و تسویه حساب‌های جناحی اجتناب شوند و سوم این وزارتخانه‌ها در سیاست کلی نظام تأثیری به غایت جدی دارند. «رویه ثابت در همه دولت‌ها، هماهنگی با رهبری در انتخاب وزیران دفاع، امور خارجه و اطلاعات بوده است، و این هم، حسب تکالیفی است که در قانون اساسی برای رهبری در امور سیاست خارجی و دفاعی - امنیتی تعیین شده است». (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) ^۲

ج: صدور حکم حکومتی: مطابق نظریه ولایت مطلقه فقیه، «حکم حکومتی» در حیطة اختیارات ولی فقیه است. توضیح آن که نظام «باید و نباید» اسلام در احکام فقهی بروز و ظهور می‌یابد و احکام فقهی سه دسته‌اند: احکام «اولیه»، «ثانویه» و «حکومتی». قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی فقهی در این نظام سه‌گانه تولید می‌شود تا خود را با

^۱ - <http://www.farsnews.ir/news/۸۴۰۸۰۷۰۴۲۴>

^۲ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37223>

شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی هماهنگ کنند. حکم اولی، «به آن دستوری گفته می‌شود که شارع اسلام بر مبنای صلاح و فساد اولی موجود در موضوع یا متعلق، انشا کرده است» (یزدی، ۱۳۶۴: ۸۹). این نوع از احکام در حالت عادی است که «در موضوع آن حالتی خاص مانند اکراه، اضطرار، تقیه، ضرر، عسر و حرج و ... پدیدار نشده باشد و در شرایط عادی، بر عهده مکلفان قرار داده شده است» (اسلامی، ۱۳۸۲: ۴۶). اجتناب از اکل میت و گوشت خوک، وجوب روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان و مانند آن در این حالت جای می‌گیرد. حکم ثانوی، «در موردی است که شارع بر مبنای تراحم و صلاح و فساد حالت عارض و موقت، با مصلحت و مفسده اولی جعل حکم می‌کند» (یزدی، ۱۳۶۴: ۸۹). اباحه و بلکه وجوب خوردن گوشت خوک به هنگام اضطرار و برای فرار از مرگ، جواز افطار روزه برای کسی که روزه برای او ضرر داد و مثل آن، ذیل احکام ثانویه تعریف می‌شوند. حکم حکومتی عبارت‌اند از کلیه دستوراتی که ولی‌امر به جهت شأن صدور رأی در امور حکومتی و قضایی و در جهت مصالح امت اسلامی وضع می‌کند (مرندی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). حکم حکومتی می‌تواند، موقتاً یکی از احکام اولیه شرعی را به جهت مصالح امت اسلامی تعطیل کند. بر این مبنا احکام حکومتی می‌تواند در عرض احکام اولیه اسلامی قرار بگیرد. انواع حکم‌های فقهی را به شکلی که در جدول ذیل آمده، می‌توان نظام‌بندی کرد:

جدول ۳: انواع احکام فقهی

نوع حکم	اولی	ثانوی	حکومتی
منبع حکم	کتاب و سنت	عقل	عقل
نسبت با حکم اولی	---	مخالفت	مخالفت
ثبات یا تغییر	ثابت	متغیر	متغیر
فردی یا اجتماعی	فردی و اجتماعی	فردی و اجتماعی	اجتماعی
مرجع تشخیص	مسئله: فقیه موضوع: مکلف	مسئله: فقیه موضوع: مکلف	مسئله و موضوع: ولی فقیه
شرایط	شرایط عادی	شرایط غیرعادی	شرایط غیرعادی
رویه	قاعده	استثنا	استثنا

بنابراین ویژگی‌های حکم حکومتی این است که در مسائل اجتماعی است، در مواقعی است که شرایط عادی نیست و معضل به وجود آمده است، در مخالفت با احکام و قوانین در شرایط عادی است و مرجع تشخیص آن ولی فقیه است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در شرح وظایف و اختیارات رهبری، به حکم حکومتی اشاره شده است و حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، بر عهده رهبر نهاده شده است (بند هشت اصل ۱۱۰ قانون اساسی)

د: حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه: مطابق بند هفت اصل ۱۱۰، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه بر عهده رهبر است. در واقع رهبری مطابق این بند به هماهنگ‌سازی و تنظیم روابط داخلی نظام می‌پردازد. به عبارت دیگر داور میان اختلافات بین قوای مختلف رهبری است که باید بر مبنای قانون اساسی به حل این اختلافات بپردازد.

ه: تعیین برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی و تأیید مصوبات آن: مطابق قانون اساسی رهبری، دو نماینده از دوازده عضو شورای عالی امنیت ملی را رهبر مستقیماً در این مقام نصب می‌کند. (بند سه اصل ۱۷۶ قانون اساسی) همچنین مصوبات این شورا نیز پس از امضای رهبری امکان تحقق دارند.

و: نصب، عزل و قبول استعفای شماری از مسئولان: مطابق قانون اساسی نصب، عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان (بند شش اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، عالی‌ترین مقام قوه قضائیه (بند شش اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، رئیس سازمان صداوسیما (اصل ۱۷۵ قانون اساسی) و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصل ۱۱۲ قانون اساسی) بر عهده رهبر است. همچنین پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت او، رهبر با در نظر گرفتن مصالح کشور می‌تواند حکم عزل وی را صادر کند. (بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی)

ز: عفو و تخفیف مجازات محکومین: مطابق قانون اساسی «عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه» (بند یازده اصل ۱۱۰ قانون اساسی) از اختیارات رهبر است.

ح: اختیارات تشریفاتی و اختیاراتی که تا کنون از آن استفاده نشده: علاوه بر موارد فوق، رهبری در موارد دیگری نیز اختیارات دارد که یا حالت تشریفاتی دارد همچون امضای حکم رئیس‌جمهور بعد از انتخاب مردم (بند نه اصل ۱۱۰ قانون اساسی) یا تاکنون در عالم واقع اتفاق نیفتاده است، مثل قبول استعفای رئیس‌جمهور (اصل ۱۳۰ قانون اساسی) یا فرمان همه‌پرسی در کشور (بند سه اصل ۱۱۰ قانون اساسی). در زمان فقدان رئیس‌جمهور و معاون اولش به واسطه عزل، استعفا و ... رهبر به صورت موقت، فردی را در این جایگاه نصب می‌کند تا انتخابات برگزار شود. (اصل ۱۳۱ قانون اساسی)

همچنین مطابق قانون اساسی اصلاحی سال ۶۸، رهبر در زمان بازنگری در قانون اساسی یکی از بازیگران اصلی خواهد بود (اصل ۱۷۷ قانون اساسی).

د) نسبت اختیارات رهبری با حکمرانی امنیت ملی

در یک تقسیم بندی کلی می توان اختیارات رهبری را از حیث میزان ارتباط با «حکمرانی امنیت ملی» به سه دسته، «ارتباط زیاد»، «ارتباط متوسط» و «ارتباط کم» تقسیم نمود:

جدول ۴: میزان ارتباط اختیارات رهبری با موضوع «حکمرانی امنیت ملی»

نسبت اختیارات رهبری با «حکمرانی امنیت ملی»	
ارتباط زیاد	- فرماندهی کل نیروهای مسلح - «تعیین برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی و تأیید مصوبات آن»
ارتباط متوسط	- «تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر آن» - «صدور حکم حکومتی» - «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» - «نصب، عزل و قبول استعفای برخی از مسئولان»
ارتباط کم	- «عفو و تخفیف مجازات محکومین» - «اختیارات تشریفاتی و اختیاراتی که تا کنون از آن استفاده نشده»

باید توجه داشت که مقصود از تقسیم بندی، بررسی میزان اهمیت اختیارات نیست؛ همچنین مقصود آن نیست که رهبر در موضوع با ارتباط زیاد، تأثیر بیشتر و در موضوع با ارتباط کم، تأثیر کمتری می گذارد؛ بلکه مقصود آن است که این اختیارات تا چه اندازه با «حکمرانی امنیت ملی» مرتبط است. در باب دسته دوم که میزان ارتباط متوسطی با حکمرانی امنیت ملی دارند، نیاز به توضیحات بیشتری وجود دارد:

- «تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر آن» هنگامی که درباره مسائل مرتبط با «امنیت ملی» باشد با حکمرانی امنیت ملی ارتباط دارد؛ چه آن که «سیاست های کلی در بخش امنیت ملی در پنج حوزه داخلی، خارجی، دفاعی، فرهنگی و اقتصادی» در تاریخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۷ با طبقه بندی به کلی سری به رؤسای قوای

سه‌گانه -ستاد کل نیروهای مسلح- شورای عالی امنیت ملی ابلاغ شده است.^۱ از طرف دیگر چون «تعیین سیاست‌های کلی» وجهی یکپارچه‌ساز و وحدت‌آفرین در ساختار متعدد نظام سیاسی دارد؛ بنابراین ضریب امنیت ملی را افزایش می‌دهد.

- «صدور حکم حکومتی» نیز چون مربوط به معضلاتی است که از طرق عادی قابل حل نیست؛ با حکمرانی امنیت ملی مرتبط می‌شود. از سوی دیگر حکم حکومتی می‌تواند در حوزه مسائل امنیت ملی صادر شود و بر این حوزه تأثیر بگذارد.
- یکی از عرصه‌های دیگر بروز تعارض در کشور، ایجاد شکاف میان بخش‌های مختلف حکومت است؛ که در صورت مدیریت نادرست آن، ظرفیت تبدیل به چالش امنیتی را نیز دارند. اینجاست که موضوع «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» برجسته می‌شود. باید توجه داشت که اختلافات مسئولین، بسترساز تعارضات و اختلافات در سطح جامعه است و می‌تواند عاملی مهم در خدشه‌دار شدن وحدت ملی (به عنوان یکی از عناصر اصلی امنیت ملی) شود. در عین حال تضاد میان بخش‌های مختلف حکومت سبب اصطکاک و خنثی‌سازی اقدامات مفید یکدیگر گردیده و ضریب امنیت ملی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین این موضوع نیز با حکمرانی امنیت ملی مرتبط است.
- «نصب، عزل و قبول استعفای برخی از مسئولان»؛ هرچند پیش از این ذیل عنوان «فرماندهی کل نیروهای مسلح»، نصب، عزل و استعفای نیروهای مسلح طرح شد اما باید توجه داشت که سایر مسئولان منصوب‌شده توسط رهبر (فقه‌های شورای نگهبان، رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صداوسیما و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام) نیز در حکمرانی امنیت ملی تأثیر گذارند.

ه) ابزارهای رهبری در حکمرانی امنیت ملی

در این بخش ابزارهای رهبری برای اعمال حکمرانی امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی کلی رهبری از سه ابزار «حقوقی- قانونی»، «نهادی- بوروکراتیک» و «معنوی- کاریزماتیک» برخوردار است.

ابزار حقوقی- قانونی: قانون اساسی، رهبر را عالی‌ترین مقام کشور می‌داند (اصل ۱۱۳ قانون اساسی) و همچنین قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران را ذیل نظر «ولایت مطلقه امر» تعریف می‌کند. (اصل ۵۷ قانون اساسی) بر همین اساس نیز رئیس‌جمهور علاوه بر مردم و مجلس در برابر رهبر نیز مسئول است. (اصل ۱۲۲ قانون اساسی) همچنین تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی و نظارت بر حسن اجرای آن را بر عهده رهبر گذاشته است (بند ۱ و ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی). البته چون ضمانت اجرایی سیاست‌های کلی ضعیف است، همین مسئله اعمال حکمرانی رهبر را با چالشی اساسی روبرو کرده و سیاست‌های کلی را کم‌اثر نموده است، چراکه مجمع در مواجهه با قوه مجریه، ابزاری برای اعمال قدرت ندارد و نظراتش عمدتاً نظرات مشورتی تلقی می‌گردد. «حکم حکومتی» ابزار حقوقی دیگری است که رهبری می‌تواند از طریق آن به حکمرانی بپردازد و در شرایط غیرعادی، اوضاع را مدیریت کند. این نوع حکم از اختصاصات رئیس‌جمهور است و در سایر نظام‌های سیاسی نیز به اشکال مختلف وجود دارد.

ابزار نهادی- بوروکراتیک: یکی از ابزارهای حکمرانی، ابزارهای نهادی یا سازمانی است که به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: نهادهای تحت مدیریت رهبری: مطابق قانون اساسی رهبری فرمانده کل قواست و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش و نیروی انتظامی تحت فرماندهی و مدیریت او هستند (اصل ۱۱۰ قانون اساسی).

جدول ۵: نهادهای تحت مدیریت رهبری

نهادهای تحت مدیریت	
▪ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	
▪ ارتش	
▪ نیروی انتظامی	
▪ بیت رهبری	

ب: نهادهایی که رئیس یا (بخشی از) اعضا آن منصوب رهبری‌اند: برخی نهادها هر چند مطابق قانون تحت فرماندهی رهبری نیستند اما تحت نفوذ او هستند. مقصود از نفوذ آن است که رهبر، مدیر یا اعضا یا بخشی از اعضای آن را نصب می‌کند. مثل صداوسیما که مدیر آن توسط رهبر تعیین می‌شود یا شورای نگهبان که فقهای آن توسط رهبر تعیین می‌شوند اما مدیریت آن بر عهده رهبر نیست. در جدول ذیل به بررسی این نهادها پرداخته‌ایم:

جدول ۶: نهادهایی که رئیس یا (بخشی از) اعضا آن منصوب رهبری‌اند

منصوبان رهبری	
دارای سهم از بودجه عمومی ^۱	
انتصاب رئیس	▪ صداوسیما
انتصاب رئیس	▪ قوه قضائیه
انتصاب رئیس	▪ کمیته امداد امام خمینی
انتصاب رئیس	▪ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
انتصاب رئیس	▪ سازمان تبلیغات اسلامی
انتصاب رئیس	▪ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها

۱. در این جدول نهادهایی که سهم سالانه آن‌ها از بودجه کمتر از یک ده‌هزارم بودجه عمومی بوده از نتایج حذف شده‌اند. (به جز شورای عالی امنیت ملی به علت اهمیت استراتژیک این نهاد).

انتصاب دو عضو	▪ شورای عالی امنیت ملی
انتصاب اعضا	▪ مجمع تشخیص مصلحت نظام
انتصاب شش فقیه شورا	▪ شورای نگهبان
بدون سهم از بودجه عمومی	
انتصاب رئیس	▪ ستاد اجرایی فرمان امام
انتصاب رئیس	▪ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
انتصاب رئیس	▪ آستان قدس رضوی

ابزار کاریزماتیک - معنوی: ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران بیش از آن که جایگاهی حقوقی داشته باشد؛ جایگاهی مذهبی دارد زیرا بحث نیابت عام از امام معصوم در عصر غیبت طرح می‌شود و جایگاه ولایت فقیه با عقاید دینی و گرایش‌های ایمانی مؤمنان گره می‌خورد. مطابق این نگاه، هرچند ولی فقیه عصمت نظری ندارد اما دستورهای ایشان، به مثابه حکم شرعی لازم‌الاتباع است. همین مسئله وجهی عاطفی - ایمانی به جایگاه رهبری می‌دهد و شکلی جدید از قدرت مشروع مبتنی بر رضایت را پدید می‌آورد. در کنار وجه مذهبی - سنتی رهبری، وجه «کاریزمایی» شخصیت رهبر نیز همواره به عنوان بازوی رهبر، مورد توجه بوده و به او در انجام اختیاراتش کمک کرده است.

و) بررسی فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی چهار فرضیه مطرح‌شده در باب نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد؛ این فرضیه‌ها عبارتند از: «هادی»، «ناظر»، «حامی»، «مجری». در ادامه به بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

۱- نقش رهبر به مثابه هادی

کارویژه اساسی رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، «سیاست‌گذاری کلان» است که نشانگر آن است که جایگاه رهبر، از اساس نقشی هدایتی دارد. مطابق بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌گذاری کلی نظام بر عهده رهبری است؛ همچنین رهبری با ایراد سخنرانی و انتخاب رئیس سازمان صداوسیما (مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی) در هدایت افکار عمومی نقش‌آفرینی دارد. ذیل همین نقش هدایتی، رهبری وظیفه «هماهنگ‌سازی» میان قوای سه‌گانه را نیز بر عهده دارد؛ مطابق بند هفت اصل ۱۱۰، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه بر عهده رهبر است. بر همین اساس رهبری باید «حکم» یا «داور» اختلافات میان قوای مختلف باشد. باید توجه داشت که رهبر نمی‌تواند مطابق سلیقه شخصی خود به حل اختلاف بپردازد و باید بر مبنای «قانون اساسی» به «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» بپردازد. چنانچه اساساً نقش هدایتی رهبر نیز در چارچوب شرع است. به عبارت دیگر «مردم، یک «ولی» بیشتر ندارند که همان خدا و دین اوست و هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی را از دین بکاهد یا بر آن بیفزاید و اگر فقیه عادل و آگاه به زمان و توانا، بر اداره کشور حکومت کند؛ «شخص فقیه» حکومت نمی‌کند. بلکه «شخصیت فقیه» که همان فقاقت و عدالت و مدیر و مدبر بودن و شرایط برجسته رهبری است؛ حکومت می‌کند». (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۵۷)

۲- نقش رهبر به مثابه ناظر

مکمل نقش هدایتی رهبری، نقش نظارتی است. نقش «نظارتی» رهبر در بند دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی است که مطابق آن نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را بر عهده رهبری نهاده است؛ البته به علت ضمانت اجرای حقوقی ضعیف، این حوزه به شدت تضعیف شده است. به عبارت دیگر هر چند از منظر حقوق اساسی، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی» اطلاق دارد و گستره اختیارات گسترده‌تری را شامل

می‌شود اما در عرصه عمل ضعف ضمانت اجرای سیاست‌های کلی در حوزه حقوقی، سبب انتقال ضمانت اجرا به حوزه کاریزما تیک و معنوی شده است و رهبر برای هر بار استفاده از ضمانت اجرای سیاست‌های کلی باید شخصاً ورود کند و از کاریزمای خود خرج کند تا اختیاراتش اعمال شود. این مسئله نقص‌های بسیاری دارد و خود می‌تواند سبب ایجاد بحران گردد. از طرف دیگر همین مسئله باعث شده اجرای فرمان‌های رهبری تا حد زیادی منوط به شخصیت کاریزما تیک رهبر شود. در یک برآیند کلی باید گفت مهم‌ترین اختیار رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام است. بر اساس قانون اساسی رهبر از مجرای «سیاست‌های کلی نظام» به «هدایت» مسیر نظام می‌پردازد. همچنین «نظارت» بر حسن اجرای آن نیز بر عهده رهبر است اما به علت آنکه «سیاست‌های کلی نظام» ضعف شدیدی در «ضمانت اجرا» دارند؛ این اختیار رهبری کم‌اثر و بلکه در مواردی بی‌اثر شده است و همین موضوع باعث شده نقش «هدایتی» و «نظارتی» رهبری کم‌رنگ شود. شکاف میان «اختیارات رهبری مبتنی بر نگاه حقوقی» و «اختیارات رهبری در عرصه عمل» بسیار عمیق و شدید است. از منظر حقوقی و مبتنی بر قانون اساسی، «تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن» بر عهده رهبر است؛ اما در عرصه عمل ابزاری برای اعمال آن وجود ندارد. همین موضوع محمل یک پروپاگاندا ی رسانه‌ای نیز شده است؛ به گونه‌ای که اپوزیسیون نظام با اشاره به بند یک و دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی (مربوط به سیاست‌های کلی) و همچنین با توجه به وجود اختیار «حکم حکومتی» ادعا می‌کنند کلیه امور کشور مبتنی بر اراده رهبری است. حال آن که در این سخن دو اشتباه وجود دارد. اشتباه اول آنکه سیاست‌گذاری کلی آن قدر عام تعریف می‌شود که سیاست‌گذاری میانی و جزئی، تقنین، اجرا و سایر موارد را نیز شامل می‌شود. حال آن که مقصود قانون اساسی آن است که راهبردهای کلان نظام توسط رهبری تعیین شود. دوم آن که میان «اختیارات رهبری مبتنی بر نگاه حقوقی» و «اختیارات رهبری در عرصه عمل» خلط می‌کنند. چنانچه گفته شد رهبری مبتنی بر قانون اساسی از

اختیارات متعادل و متناسبی برخوردار است اما در عرصه عملی به علت فقدان ضمانت اجرا، ابزار اعمال سیاست‌های کلی دچار ضعف اساسی است به گونه‌ای که در مواجهه با قوه مجریه فاقد ابزار نظارتی و ضمانت اجراست.

۳- نقش رهبر به مثابه حامی

نقش دیگر رهبری نقش «حمایتی» است؛ که غالباً مغفول واقع می‌شود و اتفاقاً از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است. حمایت آیت‌الله خامنه‌ای از دولت‌های مختلف را می‌توان در راستای نقش حمایتی رهبری از ارکان مختلف نظام تفسیر کرد. اکثریت قریب به اتفاق «احکام حکومتی» صادرشده از آیت‌الله خامنه‌ای به جهت حمایت از دولت‌های مختلف و گره‌گشایی از کار آن‌ها بوده است. بنابراین در سنخ‌شناسی احکام حکومتی باید گفت؛ این احکام به جهت «حل معضل» و «گره‌گشایی» و غالباً در راستای «حمایت از دولت مستقر» بوده است و برای رهبری بیش از آن که از سنخ «اختیار» بوده باشد، از سنخ «وظیفه» بوده است. به این معنا که «هزینه»‌ای بوده که رهبری به جهت «حمایت» از دولت پرداخته است؛ هر چند در برابری نهایی، نظام نیز از آن منفعت برده است.

۴- نقش رهبر به مثابه مجری

«اجرا» کارویژه اساسی قوه مجریه است. هر چند که در دو قوه دیگر نیز کار اجرایی وجود دارد. در مورد رهبر در نظام جمهوری اسلامی، هم باید گفت که رهبری به جز در نیروهای مسلح و دفتر رهبری نقش اجرایی ندارد. نکته مهم در این باب آن است که مطابق قانون، رهبری مدیر، اعضا یا بخشی از اعضای برخی از نهادها و سازمان‌ها را منصوب می‌کند. در مورد این نهادها و سازمان‌ها باید دقت داشت که مدیریت آن‌ها بر عهده رهبر نیست. به عنوان مثال رهبر در نصب، عزل و قبول استعفای رئیس سازمان

صداوسیما نقش دارد؛ اما نقش مدیریتی یا اجرایی در صداوسیما ندارد؛ همین موضوع در مورد کلیه منصوبان رهبری به جز در نیروهای مسلح و بیت رهبری نیز صادق است.

نتیجه گیری

در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران کارویژه اصلی قوه مجریه، «اجرا»، قوه مقننه، «قانون گذاری» و قوه قضاییه، «احقاق حق و مجازات متخلفان» است؛ در این میان کارویژه اصلی رهبری «تعیین سیاست‌های کلی» است اما به علت ضمانت اجرای حقوقی ضعیف، این حوزه به شدت تضعیف شده است.

با توجه به موارد گفته شده، پیشنهاد اول این پژوهش آن است که برای احیای سیاست‌های کلی نظام، راهکاری جدید اندیشیده شود تا بند دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی احیا شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام در مواجهه با دولت از ضمانت اجرای لازم برای نظارت برخوردار نیست و تفویض اختیار «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» به این نهاد، سبب مهجوریت مهم‌ترین اختیار و وظیفه رهبری شده است. برای این منظور پیشنهاد آن است که فراکسیونی در مجلس به جهت «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» تشکیل شود که به عنوان بازوی ضمانت اجرایی «هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» عمل کند و هیئت عالی نظارت، نظارت‌های خود بر قوه مجریه را به این فراکسیون ارجاع دهد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب (چاپ سوم)، بیروت: دار صادر.
- اسلامی، رضا (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی ماهیت حکم ظاهری با تأکید بر آرای شهید صدر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- بختیاری، حسین و علی صالح‌نیا (۱۳۹۷)، «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷.
- بوزان، باری (۱۳۹۱)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت (چاپ سوم)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمعی از نویسندگان (بی‌تا)، سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تحولات راهبردی ۱۳۹۹، چشم‌انداز ۱۴۰۰، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، ولایت فقیه و ولایت فقه و عدالت (چاپ پانزدهم)، قم: مرکز نشر اسراء.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۹۱>
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)، «نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)»، قم: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (چاپ دوم)، ترجمه سید غلام‌رضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- «تمام نهادهای زیرمجموعه دفتر رهبری طبق قانون مالیات می‌دهند»، روزنامه کیهان، شماره ۲۲۳۸۸، ۰۲ بهمن ۱۳۹۸.
- عمید، حسن (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی عمید (چاپ ششم)، تهران: امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ه.ق)، کتاب العین (چاپ دوم)، قم: نشر هجرت.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ه.ق)، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۷۸) اصطلاحات سیاسی فرهنگی، قم: دفتر نشر معارف.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن (چاپ ششم)، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸)، بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور ۶۴. شرکت‌های دولتی (ویرایش اول)، گزارش شماره: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶، ۱۶۸۹۵.
- مرندی، سیدمحمدرضا، سیدعلی مرندی (۱۳۹۵)، «چیستی حکم حکومتی از منظر فقه سیاسی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی»، تهران: پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۷.
- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، «تأملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام»، تهران: حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- یزدی، محمد (۱۳۶۴)، «وجوهات و مالیات»، قم: نور علم، شماره ۹.

Bevir, Mark. (2012). **Governance: A Very Short Introduction**. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.

Louw, M. H. H. (1978). **National Security: A Modern Approach**: (papers Presented at the Symposium on National Security Held at Pretoria, 31 March - 1 April 1977). Pretoria: Institute for Strategic Studies, University of Pretoria.

Munich Security Report (2015). Available At:

https://securityconference.org/assets/02_Dokumente/01_Publikationen/MunichSecurityReport_2015.pdf

UNDP Policy Document: Governance for Sustainable Human Development. (1997) New York: United Nations Development Programme.